



Reactions to the Dissolution of Adliah and the Establishment of New Judiciary in Iran; A Documentary Review

Hosseinali Tahvildari^{1*}, Seyed Saeed Hosseini², Abbas Ahmadvand³

1. MA, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. PhD Student, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Ira

3. Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received 2022/10/02 | Accepted 2022/11/28

Abstract

Due to modernism in the first Pahlavi era, numerous apparent and fundamental changes in the social life of people, such as the change or replacement of traditional and typical institutions with new Western-patterned organizations and the emergence of the new mechanism in the pillars of the government happened. The dismantling of Iran's traditional justice system and dissolution of Adliah in several stages and the establishment of modern justice system – which, in addition to modernism, aimed at concentrating the power in the pillars of government and removing the influencing local and traditional institutions such as clergy – had a significant impact on people's life. It was met by reactions and opposition from some social classes. The present research, which has been done through a library and descriptive method, tried to study these reactions based on the official documents and formal letters leftover from that period. The research findings showed that, despite the imagination of other researchers, the dismantling of the traditional justice system and the dissolution of the Adliah was in three stages and it has been met by reactions and oppositions of some political elites and influential classes such as lawyers, judges, Adliah officials, Parliamentarians and some weaker social courses such as residents of some cities and even some religious minorities.

Keywords: Dissolution of Adliah, Establishment of new judiciary , Modernization, Political elites, Social classifications, Pahlavi dynasty

Copyright © 2020-2021 Cultural Heritage Records Studies. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Tahvildari, H., Hosseini, S. S., & Ahmadvand, A. (2022). Reactions to the Dissolution of Adliah and the Establishment of New Judiciary in Iran; A Documentary Review. *Cultural Heritage Records Studies*, 3(2), 1-19.

Corresponding Author: Hosseinali Tahvildari, MA, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. E-mail: tahvildari77@yahoo.com



واکنش‌ها به انحلال عدلیه و پایه‌گذاری دادگستری نوین در ایران؛ بررسی اسنادی

حسینعلی تحویل‌داری*^۱، سید سعید حسینی^۲، عباس احمدوند^۳

- ۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
- ۲- دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
- ۳- دانشیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱۰ | پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۷

چکیده

دوره پهلوی نخست به دلیل حاکم‌بودن جریان نوگرایی بر آن، با تحولات ظاهری و زیربنایی متعددی در زندگی اجتماعی مردم و تغییر یا جایگزینی نهادهای سنتی و متداول با سازمان‌های جدید الگوگرفته از دنیای غرب و شکل‌گیری سازوکارهای جدید در ارکان حاکمیت همراه بود. برچیدن نظام سنتی دادرسی ایران و انحلال عدلیه در چند مرحله و پایه‌گذاری دادگستری مدرن - که علاوه بر جریان نوگرایی، به منظور متمرکز کردن قدرت در ارکان حاکمیت و حذف نهادهای محلی و سنتی تأثیرگذاری مانند روحانیت بود - ضمن تأثیرگذاری عمده بر زندگی مردم، با واکنش‌ها و مخالفت برخی طبقات اجتماعی مواجه شد. پژوهش پیش رو که به روش کتابخانه‌ای و توصیفی انجام شده است، این واکنش‌ها را بر پایه بررسی اسناد اداری و مکاتبات رسمی برجای‌مانده از آن دوره بررسی کرده است. براساس یافته‌های پژوهش، برخلاف تصور سایر پژوهشگران مبنی بر انحلال عدلیه در دو نوبت، برچیدن نظام دادرسی سنتی ایران و انحلال عدلیه در سه نوبت روی داده است که این امر با واکنش و مخالفت برخی نخبگان سیاسی و طبقات متنفذی مانند وکلاء، قضات، کارمندان عدلیه، نمایندگان مجلس و برخی طبقات اجتماعی ضعیف‌تر از جمله اهالی بعضی شهرها و حتی برخی اقلیت‌های مذهبی روبه‌رو شده است.

واژه‌های کلیدی: انحلال عدلیه، پایه‌گذاری دادگستری، عرفی‌سازی، مدرن‌سازی، نخبگان سیاسی، طبقات اجتماعی، دوره پهلوی

کپی‌رایت © دو فصلنامه مطالعات اسناد میراث فرهنگی: دسترسی آزاد؛ کپی برداری، توزیع و نشر با ذکر منبع آزاد است.

تحویل‌داری، حسینعلی، حسینی، سید سعید، احمدوند عباس (۱۴۰۱). واکنش‌ها به انحلال عدلیه و پایه‌گذاری دادگستری نوین در ایران؛ بررسی اسنادی. *مطالعات اسناد میراث فرهنگی*، ۳ (۲): ۱-۱۹.



* نویسنده مسئول: حسینعلی تحویل‌داری، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
ایمیل: tahvildari77@yahoo.com

مقدمه

نوسازی مانند فرایند تغییرات بنیادی در ساختارهای اجتماعی و به‌منظور دست یافتن به جامعه‌ای توسعه‌یافته، در کشورهای اروپایی به‌شکلی یکپارچه و اساسی در بیشتر حوزه‌های زندگی اجتماعی صورت گرفته است. روند نوسازی در این کشورها در بازه‌ی زمانی طولانی و همراه با تحول در برخی بنیان‌های ساختاردهنده‌ی جامعه و اندیشه‌های سیاسی شکل گرفته است. ملل اروپایی با دگرگونی در ارکان جامعه‌ی خود که عمدتاً در محوریت کلیسا و زمین‌داران بود و نیز با تحمل هزینه‌های فراوان در عرصه‌های گوناگون، سرانجام به شکلی موفقیت‌آمیز به نتایج کوشش‌های خود برای رسیدن به جامعه‌ی مبتنی بر آزادی و اهداف و ارزش‌هایی مانند حقوق و حریم خصوصی، شهروندی، جدایی دین از دولت، حکومت قانون، انسان‌باوری، مالکیت خصوصی و مواردی مانند اینها دست یافتند. تجربه‌ی نوسازی در اروپا از سوی سایر دولت‌ها، به‌ویژه کشورهای شرقی و از جمله ایران مدنظر قرار گرفت و در دوره‌هایی چند نیز به‌کمک برخی حاکمان، با اشتیاق فراوان پیگیری شد. دوره‌ی پهلوی اول به‌دلیل سرعت عمل و جدیت رضاشاه در امر نوسازی، به‌نوعی سرآمد سایر دوره‌ها در این زمینه است.

نوسازی‌ها در این دوره، به شکلی سطحی و با پیروی از ظواهر دستاوردهای غرب و در عرصه‌های مختلف و مبتنی بر اقتدار دولت مرکزی صورت می‌گرفت و هنوز جامعه‌ی آن دوره تحولات فکری و فرهنگی ضروری و مورد نیاز این دگرگونی‌ها را پشت سر نگذاشته بود؛ از این‌رو تغییرات صورت‌گرفته با واکنش طبقات مختلف اجتماعی و گاهی با مخالفت و مقاومت آنان روبه‌رو می‌شد. انحلال عدلیه و پایه‌گذاری دادگستری نوین در دوره‌ی پهلوی نخست، از جمله برنامه‌های نوسازی این دوره است که اگرچه پیش از آن و در دوره‌ی قاجاریان برای اصلاح و تحول آن گام‌هایی برداشته شده بود، به‌دلیل فراگیربودن پیامدهای آن در جامعه، مورد توجه طیف‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی قرار گرفت و واکنش آنان را

برانگیخت. در پژوهش پیش رو، ضمن مطالعه‌ی تاریخی روند انحلال عدلیه و چگونگی پایه‌گذاری دادگستری نوین، به بررسی واکنش طبقات مختلف اجتماعی و نخبگان به این رویداد و دیدگاه آنان درباره‌ی آن بر پایه‌ی اسناد پرداخته شد؛ به همین منظور، ضمن مرور کوتاه جایگاه عدلیه و نظام دادرسی ایران در دوره‌ی قاجار، واکنش‌ها به انحلال عدلیه در این دوره به‌شکلی اجمالی مطالعه و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی تغییر ساختار عدلیه و روند آن در دوره‌ی علی‌اکبر خان داور گزارش شد. در پایان نیز بازخوردهای نوسازی پیکره‌ی نظام قضایی ایران در میان نخبگان سیاسی جامعه‌ی آن زمان، دیگر طبقات اجتماعی و برخی اقلیت‌های دینی بررسی شد. این مطالعه با محوریت‌دادن به اسناد به‌عنوان منابع معتبر صورت گرفت و نمود این تغییرات و تحولات جامعه را در میان اسناد نشان داد.

پیشینه پژوهش

تاریخ نظام قضایی و تحولات آن به‌ویژه در دو سده‌ی گذشته، مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های حقوق، تاریخ ایران معاصر و سیر تجدد و نوگرایی در ایران بوده است؛ از این‌رو آثار گوناگونی از زاویه‌هایی مختلف به این موضوع پرداخته‌اند. تحولات نظام قضایی ایران تا دوره‌ی جمهوری اسلامی در اثر زرنگ به نام *تحول نظام قضایی ایران* (۱۳۸۱) مطالعه شده است. فلور و بنانی نیز در *نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی* (۱۳۹۰) این مسئله را پی گرفته‌اند. تمرکز این دو پژوهش بر تغییرات نهادهای قضایی در ایران و نه پیامدها و بازتاب آنها در جامعه بوده است. زندیه در *تحول نظام قضایی ایران در دوره‌ی پهلوی اول؛ عصر وزارت عدلیه‌ی علی‌اکبر داور* (۱۳۹۲) به شکلی مبسوط به تحولات سازمانی و قانونی و نیز اقدامات علی‌اکبر داور پرداخته است. اتکای بیشتر زندیه در این کتاب به‌منظور تبیین مراحل تکوین و تطور نظام قضایی در این دوره بر منابع رسمی بوده است؛ از این‌رو طبیعی است که چندان متوجه مخالفت‌ها و واکنش‌های مردم نبوده است. امین نیز در کتاب

مروری بر واکنش‌ها به انحلال عدلیه در دوره قاجار

عدلیه برای نخستین بار در دوره وزارت میرزا حسن خان مشیرالدوله (وفات: ۱۲۶۰) منحل شد. اگرچه مدارک مستند چندانی از بازتاب انحلال عدلیه در این دوره در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در دست نیست، شواهد برجای‌مانده معدودی، نشان‌دهنده پاره‌ای نارضایتی‌های عمومی است. براساس این اسناد، معترضان به انحلال عدلیه شکایات خود را به مجلس می‌بردند؛ برای نمونه، می‌توان به شکایت اهالی دماوند در سال ۱۲۹۳ خورشیدی به مجلس شورای ملی درباره انحلال عدلیه دماوند اشاره کرد (سند شماره ۱).

عدلیه برای دومین بار در زمان کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی به کمک سید ضیاءالدین طباطبایی (وفات: ۱۳۴۸) منحل شد (مکی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۲۶۴). معترضان در آن دوره نیز شکایات خود را به مجلس شورای ملی می‌بردند. این اسناد که بسیار معدودند و بدون آرشیو موضوعی نگه‌داری می‌شوند، واکنش گروهی مردمان شهرهای مختلف را در یک دوره تقریباً سه‌ساله بازنمایی می‌کنند. اهالی شهرها، کارمندان عدلیه، آزادی‌خواهان و اعضای محکمه صلح، از جمله این معترضان هستند. اسناد به‌دست‌آمده قابل توجه به ترتیب زمان عبارت‌اند از: ۱. استفسار اهالی نیشابور از مجلس درباره قانونی بودن انحلال عدلیه در تاریخ ۱۳۰۱/۰۱/۱۲ خورشیدی (سند شماره ۲)؛ ۲. شکایت اهالی استرآباد از انحلال عدلیه و پاسخ عدلیه در تاریخ ۱۳۰۱/۰۲/۱۶ و ۱۳۰۱/۰۱/۱۸ خورشیدی (سند شماره ۳)؛ ۳. شکایت اهالی دهخوارقان از انحلال عدلیه در تاریخ ۱۳۰۱/۰۲/۰۷ خورشیدی (سند شماره ۴)؛ ۴. اعتراض اهالی اصفهان به انحلال محکمه استیناف در تاریخ ۱۳۰۱/۰۳/۱۴ خورشیدی (سند شماره ۵)؛ ۵. شکایت اهالی بروجرد از انحلال عدلیه در تاریخ ۱۳۰۱/۰۵/۱۳ خورشیدی (سند شماره ۶)؛ ۶. شکایت کارمندان عدلیه

تاریخ حقوق ایران (۱۳۸۲)، ضمن بررسی نظام‌های حقوقی ایران از دوره باستان تا عصر حاضر، چگونگی تصویب قوانین و نظام قضایی حاکم بر دوره قاجار را نشان داده است. این پژوهش به دلیل گستردگی دوره زمانی مورد تحقیق آن، فرصت چندانی برای بررسی جوانب کار مانند پیامدها، تأثیرات و واکنش‌های اجتماعی را نداشته است. زرینی و هژبریان نیز در کتاب بدون دیدگاه‌های جدید تاریخ معاصر دستگاه قضایی ایران و تحولات آن (۱۳۸۸) تغییرات این حوزه را مطالعه کرده‌اند. کاستی این‌گونه پژوهش‌ها، به این دلیل است که به‌صورت خاص بر موضوعی مانند مسئله پژوهش پیش رو تمرکز نیافته‌اند و چندان به واکنش طبقات مختلف اجتماعی و چگونگی بازتاب این تحولات و پیامدهای آن در جامعه نپرداخته‌اند. گاهی نیز به‌شکلی کامل از کنار آن گذشته‌اند. همچنین از مطالعه اسناد دست‌اولی که در این پژوهش استفاده شده‌اند، بازمانده‌اند؛ درحالی‌که اتکای بیشتر پژوهش پیش رو برای تبیین مسئله، بر مجموعه اسناد و مکاتباتی بوده است که تاکنون مدنظر قرار نگرفته‌اند. با توجه به اختناق شدید دوره رضاشاه و اینکه در عمل مجال نقدکردن از صاحبان اندیشه گرفته شده بود، مطبوعات به تمجید و تکریم تغییر و تحولات پرداختند؛ بنابراین توجه خاص این پژوهش به اسناد دست‌اول برای به دست دادن تصویر مناسب از چگونگی بازتاب تحولات در میان طبقات مختلف اجتماعی حائز اهمیت است. این موضوع در کنار دست‌یافتن به یافته جدید سه مرحله‌ای بودن انحلال عدلیه و آگاه‌کردن خوانندگان از چگونگی مواجهه جامعه ایران دوره پهلوی با نوسازی‌ها در زمینه دستگاه قضایی بر اهمیت پژوهش می‌افزاید.

۴. سند شماره ۴/۷۴/۳۹/۲/۶۰ در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
 ۵. سند شماره ۴/۴۷/۲۳/۲/۴۸ در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
 ۶. سند شماره ۴/۶۱/۳۰/۱/۲۹ در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۱. سند شماره ۵/۱۳۶/۶/۳ در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
 ۲. سند شماره ۴/۳۳/۱۷/۲/۸۳ در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
 ۳. سند شماره ۴/۶۸/۳۶/۱/۲۱ در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۱۷۰). باید توجه داشت که یکی از نیازمندی‌های اولیه رضاشاه برای برقراری حاکمیت متمرکز و مقتدر، ضمانت اجرایی فرمان‌های او در سطح جامعه بود که این مسئله جز با اصلاح وضعیت دستگاه قضایی میسر نمی‌شد. همچنین جریان نوسازی دستگاه‌های اداری و اجرایی کشور به دنبال نوگرایی ناشی از امواج تجددخواهی پیش می‌رفت و دستگاه قضایی نیز از این امر مستثنا نبود. این اقدامات رضاشاه در چارچوب سیاست سکولارکردن دولت و تلاش برای حذف روحانیان از مشارکت در قدرت یا دست‌کم ضعیف کردن پایگاه اجتماعی آنان بود؛ بنابراین انحلال عدلیه و پایه‌گذاری دادگستری نوین براساس الگوهای غربی و کم‌رنگ کردن نقش نظام شرعی در ساختار قضایی کشور، به منظور کوتاه کردن دست علمای دین از قدرت و تحدید اختیارات محاکم شرعی و بالابردن نفوذ قدرت حاکمیت در عرصه‌های مختلف زندگی مردم صورت می‌گرفت. در کنار همه این عوامل، اصلاحات نظام قضایی یکی از آرزوهای آزادی‌خواهان برای دستیابی به عدالت بود که در فرصت و امنیت ایجاد شده می‌توانست به وسیله آنها در مجلس و سایر نهادهای تصمیم‌ساز، پیگیری و مطالبه شود (زندیه، ۱۳۹۲، صص ۲۰۴-۲۰۳؛ زرنگ، ۱۳۸۱، ج ۱، صص ۲۹۷-۲۹۶).

روند انحلال عدلیه در مرحله سوم به وسیله

علی‌اکبر خان داور و پیامدهای آن

روند عرفی‌سازی نظام قضایی با روی کار آمدن حکومت پهلوی سرعت یافت. این مأموریت بر عهده علی‌اکبر خان داور (وفات: ۱۳۱۵) بود. وی در سال ۱۲۶۴ خورشیدی در تهران متولد شد. او که تحصیل کرده دارالفنون بود، برای ادامه تحصیل به سوئیس رفت. پس از بازگشت به تهران، به نمایندگی مجلس چهارم برگزیده شد و در مجلس پنجم نیز سمت نمایندگی یافت. او افکارش را در روزنامه «مرد آزاد» که

سبزواری از انحلال عدلیه در تاریخ ۱۳۰۱/۰۵/۱۴ خورشیدی (سند شماره ۷)؛^۱ ۷. شکایت اهالی قم از انحلال عدلیه در تاریخ ۱۳۰۱/۰۵/۲۸ خورشیدی (سند شماره ۸)؛^۲ ۸. اعتراض آزادی‌خواهان زنجان به انحلال عدلیه در تاریخ ۱۳۰۳/۱۰/۰۷ خورشیدی (اسناد شماره‌های ۹ و ۱۰)؛^۳ ۹. شکایت اهالی ساوه از انحلال عدلیه در تاریخ ۱۳۰۳/۱۰/۱۵ خورشیدی (سند شماره ۱۱)؛^۴ ۱۰. شکایت اعضای محکمه صلح سنگلج از انحلال عدلیه در تاریخ ۱۳۰۴/۰۳/۱۷ خورشیدی (سند شماره ۱۲)؛^۵

زمینه‌های تاریخی و اجتماعی تغییر ساختار و انحلال عدلیه در دوره پهلوی

آرمان عدالت‌خواهی که در دوره مشروطه در صدر درخواست‌های مردم و علما قرار داشت و اجرایی شدن آن بر نیرومندی دستگاه قضایی و استقلال آن از حاکمیت سیاسی متکی بود، با وجود مجلس و تصویب برخی قوانین، آن‌چنان که مطلوب درخواست‌کنندگان بود، به وقوع نپیوست. پس از مشروطه نیز اوضاع ایران بنا به دلایل متعدد، دچار آشفتگی‌ها و ناامنی‌هایی در برخی عرصه‌ها شد؛ از جمله دستگاه قضایی با نابسامانی‌های متعددی مواجه شد که به دنبال آن بسیاری از قوانین معطل می‌ماند و دستگاه مجری نیز کارآمدی لازم را برای اجرای احکام صادر شده نداشت. به این ترتیب و به تدریج، زمینه برای ظهور حکومتی اقتدارگرا و نیز تشکیل عدلیه مدرن به سبک دادگاه‌های غربی فراهم شد. براساس گزارش یکی از نویسندگان که شاهد وقایع آن دوره بوده است: «یکی از دلایل کامیابی رضاخان سردار سپه در رسیدن به تاج و تخت و نیز تحمل اعمال دیکتاتوری سلطنت او از سوی مردم، هواخواهی مردم از حکومتی مقتدر بود. مردم هر وقت یاد ضعف دولت‌های پیش از او می‌افتادند، رفتار او را با همه سختی‌هایی که داشت، تحمل می‌کردند» (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص.

۱. سند شماره ۴/۳۳/۱۷/۲/۱۲۹ در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۲. سند شماره ۴/۴۲/۲۱/۱/۳۰ در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۳. سند شماره ۹۹۹/۳۱۷۰۱ در سازمان اسناد ملی ایران.

۴. سند شماره ۵/۱۴۷/۳۶/۴۹ در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۵. سند شماره ۵/۱۰۵/۱۵/۱/۶۵ در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

اختیاراتی که از مجلس گرفت، عده زیادی از جوانان اروپارفته و تحصیل کرده را به عدلیه برد و عدلیه‌ای به سبک اروپایی تشکیل داد. تشکیل کمیسیون‌های اصلاح و تهیه لایحه، از جمله اقدامات او بود.^۴ داور چنان در انحلال عدلیه شتاب کرد که در ۲۰ بهمن ۱۳۰۵ خورشیدی و پیش از آنکه به مجلس معرفی و دارای اختیارات قانونی شود، عدلیه را منحل کرد و در روزنامه اطلاعات نوشت: «اعلان: کلیه تشکیلات عدلیه موجود در تهران از فردا منحل است».^۵

مدتی بعد در ۲۷ بهمن همان سال، لایحه‌ای با قید دو فوریت با موضوع اصلاح دادگستری به مجلس شورای ملی تسلیم کرد. متن لایحه پیشنهادی داور به این شرح بود: «ماده واحده: وزیر فعلی عدلیه مجاز است به وسیله کمیسیون‌هایی مرکب از اشخاص بصیر، موادی راجع به اصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه، تهیه و به موقع اجرا بگذارد تا پس از آزمایش در عمل، به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید. کمیسیون‌های مذکور چهار ماه پس از تصویب این قانون منحل می‌شوند. مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه، مادام که به وسیله کمیسیون‌های فوق‌الذکر در ظرف چهار ماه پس از تصویب این قانون تغییر نکرده است، به قوه خود باقی است. تبصره: وزیر فعلی عدلیه می‌تواند اشخاصی را که لازم می‌داند، اعم از اینکه سابقه استخدام دولتی داشته باشند یا نه، برای مؤسسات اداری و محاکم عدلیه انتخاب نموده، مؤسسات و محاکم را از این اشخاص دایر نماید».^۶ بخش‌هایی از این لایحه پس از بحث‌های مخالفان حذف و قسمت‌های دیگری با پیشنهادهای میرزا سید احمد بهبهانی (وفات: ۱۳۲۶) و آیت‌الله سید حسن مدرس (وفات: ۱۳۱۶) به آن افزوده شد و در نهایت به تصویب اکثریت مجلس رسید.^۷ لایحه به منظور اصلاحات قضایی به

خود منتشر می‌کرد، نشر می‌داد (Aqeli, 1994, PP. 135-133). داور یکی از چند نفری بود که در خلع سلسله قاجاریه و به قدرت رساندن پهلوی سهم بسیاری داشت (بهار، ۱۳۶۳، ج ۲، ص. ۱۸۲). به این منظور مقدمات انقراض قاجاریه را فراهم کرد و تهیه طرح قانونی سلطنت پهلوی و تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر چند اصل از متمم قانون اساسی برای واگذاری سلطنت به پهلوی را بر عهده گرفت (عاقلی، ۱۳۶۹، ص. ۶؛ بهار، ۱۳۶۳، ص. ۲۰۷ و ۲۸۱-۲۸۲). وی پس از استقرار سلطنت پهلوی، مدت کوتاهی وزیر فواید عامه و تجارت شد و به نمایندگی ششمین دوره مجلس شورای ملی نیز برگزیده شد (هدایت، ۱۳۷۵، ص. ۳۷۰). همچنین در اواخر سال ۱۳۰۵ خورشیدی در ترمیم کابینه حسن مستوفی (وفات: ۱۳۱۱) به وزارت عدلیه منصوب شد و تغییرات مهمی در دادگستری ایران به وجود آورد. یکی از مهم‌ترین اقدامات او، انحلال عدلیه بود. در واقع سومین انحلال عدلیه در زمان داور و در دومین سال سلطنت رضاشاه صورت گرفت و چندی بعد، دادگستری نوین تأسیس شد (سند شماره ۱۰).^۱

داور پس از انحلال عدلیه، از مجلس تقاضای اختیارات کرد^۲ که شامل قانون‌گذاری، استخدام، انتصاب و مواردی دیگر بود. با وجود آنکه عده‌ای از نمایندگان مجلس این اختیارات را در مغایرت با متمم قانون اساسی می‌دانستند، درخواست او با اکثریت آرا به تصویب رسید. داور کار خود را آغاز کرد. پس از چندی، عدلیه ولایات نیز منحل شدند. عدلیه جدید در اردیبهشت ۱۳۰۶ خورشیدی به شکلی ناقص آغاز به کار کرد. در همان روز، شاه خطاب به مستوفی، فرمانی برای لغو کاپیتولاسیون (حق قضاوت کنسولی) صادر کرد.^۳ داور نیز قانون مجازات را تدوین و زمینه قانونی و اجرایی لغو کاپیتولاسیون را فراهم کرد (هدایت، ۱۳۷۵، ص. ۳۷۳). او با

۱. روزنامه اطلاعات، اعلام/انحلال عدلیه، سال اول، شماره ۱۴۸، ۲۰ بهمن ۱۳۰۵.
 ۲. روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۱۴۸، ۲۰ بهمن ۱۳۰۵، ص. ۱.
 ۳. روزنامه ایران، شماره ۲۳۷۳، س ۱۱، ص. ۱.
 ۴. روزنامه اطلاعات، سال یکم، شماره ۱۴۷، ۱۹ بهمن ۱۳۰۵، ص. ۱؛ شماره ۲۲۱، ۱ خرداد ۱۳۰۶، ص. ۲.
 ۵. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۴۸، سال اول، پنجشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۰۵.
 ۶. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۴، پنجشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵.
 ۷. برای دیدن متن ماده واحده نگاه کنید به: روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۱۵۴، ۲۷ بهمن ۱۳۰۵.

تلاش کرد دستگاه قضایی را به سمت جذب قضات تحصیل کرده در مدارس جدید سوق دهد و از نفوذ سنتی روحانیون بکاهد. پس از انقضای چهار ماه از بهمن سال ۱۳۰۵ تا اردیبهشت سال ۱۳۰۶، با آغاز تشکیلات نوین قضایی و اصلاح قانون اصول محاکمات، عدلیه جدید طی مراسمی رسمی در حضور رضاشاه پهلوی در کاخ برلیان در پنجم اردیبهشت ۱۳۰۶ خورشیدی افتتاح شد (امین، ۱۳۸۲، ص. ۵۳۲).

بازخورد انحلال عدلیه در میان نخبگان سیاسی جامعه: واکنش برخی نمایندگان برجسته مجلس شورای ملی

مخالفان انحلال عدلیه از میان نخبگان سیاسی و نمایندگان مجلس شورای ملی بودند. افرادی مانند دکتر مصدق، به انگیزه دفاع از اساس مشروطیت با اصلاحات پیشنهادی داور مخالفت کردند. آنها هنگام طرح لایحه اختیارات وزیر عدلیه، اعتراض و به اقدامات داور نقد کردند (زرنگ، ۱۳۸۱، ص. ۲۹۰) و با استناد به اصل «تعطیل بردار نبودن نظام مشروطه»، از قانونی نبودن انحلال عدلیه سخن گفتند؛ زیرا قانون گذار نمی توانست اختیارات قانون گذاری را به قوه مجریه تفویض کند؛ بنابراین قوه مجریه نتوانست به تصویب قوانین لازم برای انحلال عدلیه و تأسیس تشکیلات دادگستری نوین بپردازد (مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه، ۱۳۰۵، ص. ۵۰۲). علاوه بر مصدق، دو نماینده دیگر به نام های آقا سید یعقوب انوار (وفات: ۱۳۳۴) و میرزا سید احمد بهبهانی (وفات: ۱۳۲۶) در رأس مخالفان قرار داشتند (برای دیدن مشروح سخنان داور نگاه کنید به مذاکرات مجلس شورای ملی دوره ششم تقنینیه، ۱۳۰۵، ص. ۵۰۶-۵۰۴). البته مخالفت این سه نفر تأثیری در تصویب اختیارات داور برای تجدید تشکیلات دادگستری نداشت. جالب آنکه در رأی گیری ۲۷ بهمن ۱۳۰۵، دکتر مصدق، آیت الله مدرس و آقا سید یعقوب انوار از جمله ممتنعان بودند و سه رأی مخالف

وزیر عدلیه اختیار مطلق می داد که پس از انحلال عدلیه موجود، برای تشکیل دادگاه های تازه تا چهار ماه به استخدام قضات صالح بپردازد. ماده واحده اختیارات وزیر دادگستری که از سوی مجلس تصویب شده بود، چهار ماه اعتبار داشت. پس از انقضای آن، داور از مجلس یک فرصت چهار ماهه دیگر درخواست کرد (سندهای شماره های ۲۱، ۲۲ و ۲۳) (نگاه کنید به: نامه داور مبنی بر پیشنهاد ماده واحده تمدید اختیارات به مدت چهار ماه و یادداشت یکی از نمایندگان مبنی بر تصویب شدن ماده واحده، در: آل داود، ۱۳۹۰، ص. ۳-۱). لایحه مزبور که با قید دو فوریت تقدیم مجلس شد، مخالفانی داشت؛ از جمله دکتر محمد مصدق (وفات: ۱۳۴۵) و آیت الله سید حسن مدرس. اگرچه مدرس با لایحه اعطای اختیارات به داور در جلسه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ خورشیدی مجلس موافق بود، با تمدید آن در جلسه ۲۵ خرداد ۱۳۰۶ مخالفت کرد. با این حال، اختیارات داور برای چهار ماه دیگر نیز تمدید شد.^۱

داور با پشتیبانی آشکار مجلس فعالیت خود را آغاز کرد. از آنجا که کابینه جدید هنوز از مجلس رأی اعتماد نگرفته بود، اقدام داور مستند قانونی نداشت. رأی اعتماد به کابینه در ۲۵ بهمن داده شد و داور در ۲۷ بهمن لایحه ای به مجلس تقدیم و مطابق آن برای تغییرات در عدلیه تقاضای اختیارات کامل کرد. با توجه به اینکه خود داور عضو فراکسیون رادیکال مجلس ششم بود- که اکثریت مجلس را تشکیل می داد- از حمایت مجلس اطمینان داشت؛ به همین دلیل درخواست او به تأیید بیشتر نمایندگان مجلس رسید؛ به این ترتیب که فوریت اول با ۶۹ رأی موافق و ۳ رأی مخالف، فوریت دوم با ۷۳ رأی موافق و ۳ رأی مخالف و اصل ماده واحده، با ۸۲ رأی موافق و ۳ رأی مخالف به تصویب رسید (مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه، ۱۳۰۵، ص. ۱۵۲۱-۱۵۰۱؛ زرنگ، ۱۳۸۱، ص. ۲۹۲). فارغ از چیستی هدف اصلی داور از انحلال عدلیه، پاک سازی دستگاه قضایی از برخی قضات و نیز تحدید قدرت روحانیون و قضاوت شرعی، از پیامدهای اقدامات او بود. او

۱. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۲، ۲۵ خرداد ۱۳۰۶.

بزنند، سوابق استخدامی مردم نیز از بین خواهد رفت. علاوه بر اینکه قسمت پایانی ماده‌واحد به وزیر عدلیه اختیار داده که از اشخاص، اگرچه سوابقی ندارند، در عدلیه جدید استفاده کند؛ درحالی‌که کار قضایی نیاز به سابقه دارد و نمی‌توان اعراض و اموال و نفوس مردم را به دست اشخاص بی‌سابقه و ناکارآمد سپرد»^۳ او به همین دلیل با فوریت لایحه مخالف بود و پیشنهاد کرد ماده‌واحد به کمیسیون عدلیه برود و درباره آن مذاکره شود و نمایندگان ترتیب اجرای آن را مشخص کرده و سپس به مجلس بیاورند. از نظر او، انحلال عدلیه مهم‌تر از آن بود که با یک ماده‌واحد و اندکی مذاکره در صحن مجلس، درباره آن تصمیم‌گیری شود.^۴

با وجود مخالفت بهبهانی با فوریت لایحه، او موافق انجام اصلاحات در عدلیه بود، اما شیوه داور برای اصلاح و نیز انحلال عدلیه را نمی‌پسندید. از نظر او انحلال عدلیه نباید به صرف خواست وزیر باشد، بلکه باید قوانین موضوعه اجازه چنین کاری را می‌داد؛ درحالی‌که نه‌تنها در قوانین هیچ اشاره‌ای به آن نوع از اصلاح نشده بود، بلکه موادی از قانون اساسی برخلاف آن بود. بهبهانی می‌گفت: «عدلیه یکی از اجزای اساسی مشروطیت است و اساس مشروطیت تعطیل‌بردار نیست. انحلال عدلیه، انحلال یکی از قوای مملکتی و تعطیل مشروطیت است. اگر عدلیه مرکز تعطیل شود، جایی نیست که مردم به آنجا بروند و همه محاکم عدلیه از استیناف و تمیز و ابتدایی از بین می‌روند؛ بدین ترتیب اساس مشروطیت که یک پایه بزرگش بر قوه قضاییه است، از بین می‌رود»^۵.

از آن وثوق‌الدوله، بهبهانی و میرزا ابراهیم معتمدالسلطنه (وفات: ۱۳۳۵ هجری) بود.^۱ در نتیجه ماده‌واحد اختیارات وزیر عدلیه برای انحلال و سپس تجدید تشکیلات عدلیه با انجام اصلاحات و با بیشتر آرا تصویب شد.^۲

میرزا سید احمد بهبهانی

او فرزند آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی (وفات: ۱۲۸۹) و از رهبران روحانی مبارز مشروطه و نماینده مجلس‌های پنجم تا چهاردهم مجلس شورای ملی بود. هنگامی که مدرس فراکسیون اقلیت را در مجلس تشکیل داد و به مبارزه با رضاخان سردار سپه پرداخت، میرزا سید احمد بهبهانی همراه مدرس بود. هنگام بررسی اصل ماده‌واحد اعطای اختیارات به وزیر عدلیه در مجلس ششم، سخنان مفصلی ایراد کرد. مخالفت او به دو جهت فوریت لایحه به دلیل مغایرت با اصول قانون اساسی و قوانین جاریه مملکتی و همچنین تردید در اهمیت آن بود (مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه، ۱۳۰۵، ص. ۵۰۲). از نظر وی مشخص نبود که براساس چه دیدگاهی تشکیلات عدلیه را به هم زده‌اند. داور در پاسخ او اظهار داشت که هدفش اصلاح عدلیه بوده است، اما بهبهانی اصلاح عدلیه را ملازم با انحلال نمی‌دانست و به داور معترض بود (مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه، ۱۳۰۵، ص. ۵۰۳). او استدلال کرد که «قانون استخدام و قانون محاکمات تاکنون اجرا می‌شده و مورد امتحان قرار گرفته بودند. اگر آنها را به هم

۱. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۴، پنج‌شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵.

۲. «متن نهایی ماده‌واحد» به این شرح است: «ماده‌واحد: وزیر فعلی عدلیه مجاز است به‌وسیله کمیسیون‌هایی مرکب از اشخاص بصیر، موادی درباره اصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه، تهیه و به موقع اجراء بگذارد تا پس از آزمایش در مدت شش ماه در عمل، به مجلس شورای ملی پیشنهاد دهد. کمیسیون‌های مذکور چهار ماه پس از تصویب این قانون منحل می‌شوند. مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه، مادام که به‌وسیله کمیسیون‌های فوق‌الذکر و تصویب مجلس شورای ملی یا کمیسیون عدلیه، تغییر نکرده، به قوه خود باقی است و در عین حال، مواد مصوبه کمیسیون‌ها موقتاً معمول بپناه خواهد بود. کمیسیون‌های فوق، برای اجرای موادی که تصویب می‌نمایند،

مدتی معین می‌کنند که پس از انقضای آمدت، مواد مصوبه به موقع اجراء گذاشته می‌شود و پس از ابلاغ کمیسیون‌ها، در آن مواد دیگر حق تجدیدنظر نخواهند داشت. تبصره: وزیر فعلی عدلیه می‌تواند اشخاصی را که لازم می‌داند، اعم از اینکه سابقه استخدام دولتی داشته باشند یا نه، برای مؤسسات اداری محاکم عدلیه انتخاب و مؤسسات و محاکم را از آن اشخاص دایر نماید. این اختیار برای مدت چهار ماه از تصویب این قانون است» (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۴، پنج‌شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵).

۳. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۴، پنج‌شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵.

۴. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۴، پنج‌شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵.

۵. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۴، پنج‌شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵.

همین دلیل پیشنهاد داد که وزیر عدلیه از کسانی که سابقه استخدامی در وزارت عدلیه یا سایر وزارتخانه‌ها دارند یا منتظران خدمت سایر وزارتخانه‌ها استخدام کند. همچنین معتقد بود مواد مصوب کمیسیون‌ها، باید به تصویب مجلس برسد تا صورت قانونی پیدا کند. از نظر او قوه قضاییه فاقد شأن قانون‌گذاری است و نمی‌تواند به تصویب قانون بپردازد و در حیطة وظایف قوه مقننه وارد شود.^۳

آیت‌الله سید حسن مدرس

او چند دوره نمایندگی مردم در مجلس شورای ملی را بر عهده داشت. در زمان تقدیم ماده‌واحدۀ اعطای اختیارات به وزیر عدلیه، از جمله موافقان این لایحه بود. به نظر او هرکس که به فکر اصلاح افتاد، باید آزاد باشد تا نظرش را اجرا کند (مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه، ۱۳۰۵، ص. ۵۱۹) به این امید که نتیجه‌ای از آن به دست آید. در موضوع ماده‌واحدۀ نیز، او ضمن موافقت با آن، استدلال می‌کرد که قبلاً در مجلس به افراد زیادی از جمله چند رئیس‌الوزراء اختیارات تام داده شده است؛ بنابراین ایرادی ندارد که به آقای داور نیز اختیارات بدهند.^۴

او به دو نکته دیگر نیز اشاره داشت: «اول آنکه بیش از ده سال است که با کمک مستشار خارجی و هزینه کردن یکصد هزار تومان، قوانینی برای عدلیه تهیه شده است. اگرچه وضعیت عدلیه خوب نیست، ولی نباید تا زمانی که قانون جدیدی وضع نشده، قوانین قبلی لغو شوند. اگر کمیسیون‌ها موفق به تهیه قوانین و لوایحی شدند و آنها را به تصویب مجلس شورای ملی و یا کمیسیون‌های عدلیه (صاحب‌اختیار از جانب مجلس) رسانیدند، آنگاه می‌توان قوانین قبلی را لغو نمود؛ به عبارت دیگر به فرض اینکه کمیسیون‌ها رأی دادند که قوانین جدید به موقع اجرا گذارده شوند، با این حال نمی‌توان قوانین فعلی را ملغی تلقی نمود. الغای قوانین موجود، باید به تصویب مجلس یا کمیسیون عدلیه برسد؛ به این ترتیب که هرچه از

پیشنهاد بهبهانی آن بود که برای اصلاح قوه قضاییه، از روش‌های قانونی اقدام شود. اگر ایرادی در عدلیه وجود دارد، می‌توانستند آن را از راه اصلاح محاکم انتظامی درست کنند؛ یعنی هریک از قضات و اشخاص را که مظنون و متهم بودند، محاکمه و به حکم محکمه و قانون، ایشان را منفصل کنند. اگر محکمه انتظامی به وظایفش عمل نمی‌کند و موجب سستی کارهای عدلیه شده است، منحل و اصلاح شود، نه آنکه تمام عدلیه از اساس از بین برود.^۱ از نظر بهبهانی پیشنهادهای او اگر در مقام عمل طولانی هم می‌شد، بهتر از آن بود که قانون اساسی نقض شود. اختیاری هم که به وزیر عدلیه دادند تا به صلاح‌دید خود افراد شایسته را وارد عدلیه کند، امری اختلاف‌برانگیز است؛ زیرا ممکن است از نظر ایشان، عده‌ای صالح باشند، اما از نظر نمایندگان مجلس کسان دیگری شایسته باشند. او ایراد دیگری نیز به متن ماده‌واحدۀ گرفت. در متن ماده ذکر شده بود که عدلیه جدید و قوانین مصوب کمیسیون عدلیه، آزمایش و سپس به مجلس آورده شوند. از نظر بهبهانی، مشخص نیست پس از انحلال عدلیه، چه چیزی به جای آن خواهد آمد. ممکن است عدلیه منحل شود و عدلیه جدید هم در عمل جایگزین خوبی نباشد؛ در این صورت تکلیف مردم چه خواهد بود؟ در مجموع، او با ماده‌واحدۀ پیشنهادی وزیر عدلیه مخالفت کرد و هم‌زمان به لزوم اصلاح عدلیه نیز معتقد بود. از نظر او اصلاحات باید مطابق قانون و از راه بصیرت و با مشورت با افراد آگاه و باسابقه، که محل توجه مردم نیز هستند، صورت بگیرد.^۲

آقا سید یعقوب انوار

او به‌عنوان یکی از نمایندگان مجلس ششم شورای ملی، معتقد بود افرادی که به صلاح‌دید وزیر عدلیه استخدام می‌شوند، هزینه استخدامی بر دولت تحمیل خواهند کرد؛ درحالی‌که مجلس ۳۵۰ هزار تومان کسری بودجه داشت؛ به

۳. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۴، پنجشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵.

۴. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۲، ۲۵ خرداد ۱۳۰۶.

۱. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۴، پنجشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵.

۲. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۴، پنجشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵.



از خارج، افرادی را به عدلیه بیاورد؛ اصل چهارم، بودجه عدلیه به اندازه‌های شود که هرکس بتواند به استخدام عدلیه درآید.^۵

مصدق پس از برشمردن اصول داور، دیدگاه‌های انتقادی خود را بیان کرد. از نظر او: «عدلیه ما از آثار مشروطیت است و نمی‌توان آن را منحل کرد و قاضی را متزلزل نمود». این دیدگاه در اعتراض به اصل نخست داور بود. هم اینکه «عیب عدلیه این است که یک محکمه انتظامی خاص ندارد که محاکمه کند. باید یک محکمه انتظامی، خارج از عدلیه- که سه یا چهار نفر از مبرزان مملکت باشند- به انتخاب مجلس دعوت کنند و بیایند پرونده اشخاص بد را بفرستند پیش آنها و اگر آنها گفتند که بد هستند، از عدلیه اخراجشان کنند».^۶ اصرار مصدق بر حفظ قوانین بود و در نقد اصل دوم، باور خود را که «ما در این مملکت بیست سال است یک قوانینی داریم؛ اصول محاکمات و غیره. اگر نواقصی داشته باشد، در حین عمل معلوم شده است. حالا اگر ما بیاییم و قوانین جدیدی در جریان بیندازیم، این‌ها هم لاقلاً بیست سال دیگر وقت می‌خواهد تا نواقصشان معلوم شود و بالاخره عقیده هم داشتیم که مجلس شورای ملی نمی‌تواند به دولت اجازه قانون‌گذاری بدهد؛ مانند اینکه یک کسی اجازه اجتهاد خودش را به کس دیگر بدهد. اجتهاد انتقال‌دانی نیست و ما هم وکیل در توکیل که نیستیم که به دولت بگوییم برو قانون وضع کن»^۷ اظهار داشت.

مصدق به حفظ قوانین استخدام برای مدت طولانی نیز باور داشت، آن‌گونه که در اعتراض به اصل سوم بیان کرد: «قانون استخدام نباید تا صد سال تغییر پیدا کند؛ زیرا مردم کشور زحمت می‌کشند و سابقه درست می‌کنند، یک مرتبه

این قوانین را مجلس یا کمیسیون تصویب کرد، معادل آن را از قوانین فعلی کسر نماید».^۱ دوم آنکه او با لایحه تقدیمی وزیر عدلیه مخالفتی نداشت، بلکه خواستار اصلاحات اندکی در متن ماده واحده بود؛ به همین دلیل پیشنهاد کرد که قسمت انتهایی ماده اصلاح شود.^۲ وزیر عدلیه نیز پیشنهاد او را پذیرفت. پیشنهاد دیگری نیز از سوی مدرس تقدیم مجلس شد، به این شرح که پس از آزمایش، مدت شش ماه ذکر شود. او بعدها در ۲۵ خرداد ۱۳۰۶ خورشیدی، با تمدید لایحه اختیارات قانونی وزیر عدلیه، مخالفت کرد.^۳

دکتر محمد مصدق

در خرداد سال ۱۳۰۶ خورشیدی پس از کناره‌گیری مستوفی‌الممالک از ریاست دولت، حاج مخبرالسلطنه هدایت (وفات: ۱۳۳۴) به‌جای وی نشست و داور همچنان عهده‌دار وزارت عدلیه بود. دو روز پس از معرفی کابینه و تصویب برنامه دولت، دکتر مصدق به‌عنوان نماینده مردم تهران در مجلس، طی نطق مشروح پیش از دستور، داور و عدلیه را مورد انتقاد شدید قرار داد و از اقدامات به‌عمل‌آمده در تشکیلات جدید قضایی خرده گرفت. همچنین در ۲۵ و ۲۸ خرداد ۱۳۰۶ خورشیدی، پیرامون لایحه اختیارات قانونی وزیر عدلیه، سخنانی ایراد کرد (عاقلی، ۱۳۶۹، ص. ۱۴۴). او در انتقاد از اقدامات داور، ابتدا انگیزه‌های چهارگانه داور از اصلاحات را برشمرد.^۴ مطابق اظهارات مصدق، داور برای اصلاحات عدلیه چهار اصل را در نظر گرفته بود: اصل اول، انحلال عدلیه و اینکه دستگاه قضایی سابق منحل شود؛ اصل دوم، قوانین جدید وضع شود و در معرض آزمایش و امتحان قرار بگیرد و سپس به تصویب مجلس برسد؛ اصل سوم قانون استخدام لغو شود و داور

۱. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۲، ۲۵ خرداد ۱۳۰۶.

۲. پیشنهاد او به این شرح بود: «مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه، مادام که توسط کمیسیون‌های فوق‌الذکر و تصویب مجلس شورای ملی یا کمیسیون عدلیه تغییر نکرده به اعتبار خود باقی است. در همین حال، مواد مصوب کمیسیون‌ها موقتاً مجری نخواهند بود» روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۲، ۲۵ خرداد ۱۳۰۶.

۳. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۲، ۲۵ خرداد ۱۳۰۶.

۴. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۳، ۲۸ خرداد ۱۳۰۶.

۵. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۳، ۲۸ خرداد ۱۳۰۶.

۶. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۳، ۲۸ خرداد ۱۳۰۶.

۷. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۳، ۲۸ خرداد ۱۳۰۶.

محاکم حوزه خود اعتراض داشتند که از جمله آنها می‌توان به شکایت نماینده ساوه به مجلس در این باره اشاره کرد (سند شماره ۱۵).^۵

نتیجه‌گیری

در پژوهش پیش رو، بیش از هر چیز و به دلالت اسناد نشان داده شد که انحلال عدلیه برخلاف تصور رایج، نه در دو نوبت، بلکه در سه نوبت انجام شده است. در هر نوبت از انحلال عدلیه و تلاش برای اصلاح آن نیز مخالفت‌هایی در میان برخی گروه‌های اجتماعی صورت می‌گرفت. با توجه به فراگیری پیامدهای تغییرات عدلیه در ساختار دادخواهی مردم، عموم طبقات اجتماعی به آن حساسیت داشتند و در صورت فراهم‌بودن فضای نقد و اعتراض، شکایت خود را - معمولاً خطاب به مجلس شورای ملی - ابراز می‌کردند. براساس داده‌های اسناد برجای‌مانده از دوره قاجار، دو نوبت انحلال عدلیه در آن دوره، واکنش گروه‌هایی از بطن جامعه و در میان شهرهای مختلف را برانگیخت. مردم دماوند، نیشابور، استرآباد، دهخوارقان، اصفهان، بروجرد، قم و ساوه، از جمله این معترضان به صورت گروهی و «هالی» یک شهر یا روستا بودند. علاوه بر توده مردم، گاهی کارمندان عدلیه، آزادی‌خواهان و اعضای محکمه صلح نیز به انحلال عدلیه در آن دوره اعتراض می‌کردند. این مسئله نشان می‌دهد ساختار عدلیه در آن دوره در شهرها و مناطق مختلف، با وجود نواقصی که داشت، برای رفع مسائل دادخواهی مردمان آن مناطق در حدی کارایی داشته است که انحلال آن، به دلیل معطل‌گذاشتن امور و نیازهای حقوقی مردم، موجبات نارضایتی آنها را فراهم می‌کرده است.

شما او را نقض می‌کنید. مردم دیگر امیدواری ندارند.^۱ او به اصل چهارم مبنی بر افزایش حقوق مستخدمان عدلیه نیز معترض بود و اظهار می‌کرد: «افرادی که وارد عدلیه می‌شوند، اگر به دلیل اضافه‌حقوق وارد شوند، فردا برای پول حکم غلط هم می‌دهند و به کسی که برای پول وارد جایی شود، نمی‌توان اعتماد کرد».^۲

واکنش سایر طبقات اجتماعی و برخی اقلیت‌های

مذهبی

اسناد موجود در مرکز اسناد مجلس، بیان‌کننده واکنش‌ها به اقدام داور در انحلال عدلیه از جانب گروه‌های اجتماعی غیر از نمایندگان برجسته شورای ملی است. این واکنش‌ها عمدتاً از جانب افرادی مانند وکلا، قاضیان، کارمندان عدلیه و دیگر نمایندگان مجلس است که به نوعی با عدلیه در ارتباط بوده‌اند. گاه نیز شکایت‌هایی از دیگر طبقات اجتماعی و اهالی شهرها به مجلس می‌رسید. از نمونه‌های این‌گونه اعتراض‌ها، شکایت اهالی شیراز از دخالت حکومت شیراز در امور حقوقی پس از انحلال عدلیه است. در غیاب دستگاه عدلیه، حاکم شیراز به رفع و فصل خصومت‌ها می‌پرداخت و به دلالت اسناد، صلاحیت این امر را نداشته است که همین مسئله موجب شکایت اهالی به مجلس شورای ملی شد (سند شماره ۱۳).^۳

اقلیت‌های دینی نیز به انحلال عدلیه اعتراض کردند. کلیمیان گلپایگان از جمله این معترضان بودند که از مجلس شورای ملی درخواست کردند تا دوباره عدلیه را برقرار کند. آنان به قدری در تقاضای خود جدیت داشتند که در ضمن درخواستشان، به مهاجرت کردن در صورت بی‌توجهی به تقاضای آنان تهدید کردند (سند شماره ۱۴).^۴ دیگر نمایندگان مجلس، از جمله نمایندگان برخی شهرستان‌ها نیز به انحلال

۴. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۲ برگ سند، شماره سند: ۶/۷۲/۳۷/۱۱۰۹ ج.

۵. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۴ برگ سند، شماره سند: ۶/۱۷/۱۴/۱۱۸ ج.

۱. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۳، ۲۸ خرداد ۱۳۰۶.

۲. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۳، ۲۸ خرداد ۱۳۰۶.

۳. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۲ برگ سند، شماره سند: ۶/۳۱/۱۷/۲/۱۰۹ ج.



جبهه‌گیری مخالفت‌آمیز آنها در مقابل شیوه نوسازی رضاشاهی است. بر جای ماندن تعداد کمتری از اسناد بیان‌کننده نارضایتی عموم مردم به دوره قاجار، احتمالاً از روی کاهش حساسیت توده مردم به امور حاکمیتی نیست، بلکه به‌خوبی نمایانگر میزان تأثیرگذاری اختناق رضاشاهی در بطن جامعه برای خاموش کردن صداهای مخالف و یکدست کردن قدرت و فراهم کردن زمینه دیگر اقدامات حاکمیتی است.

تعارض در منافع

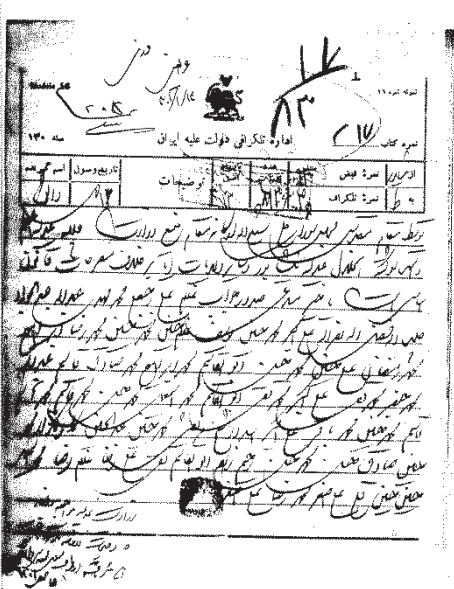
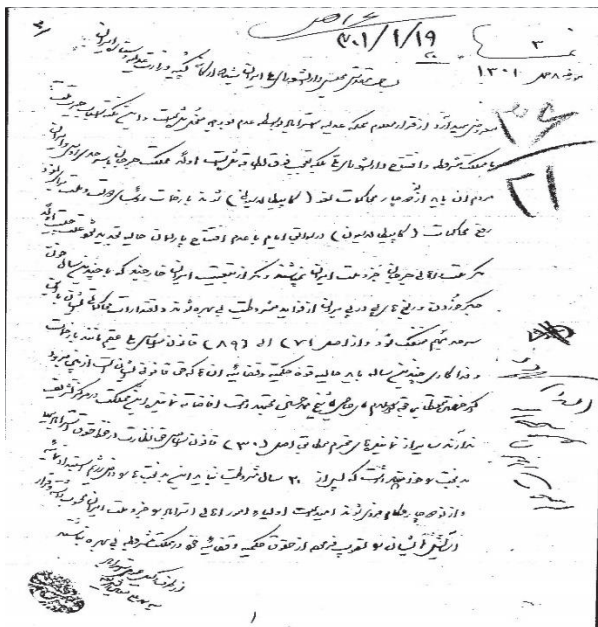
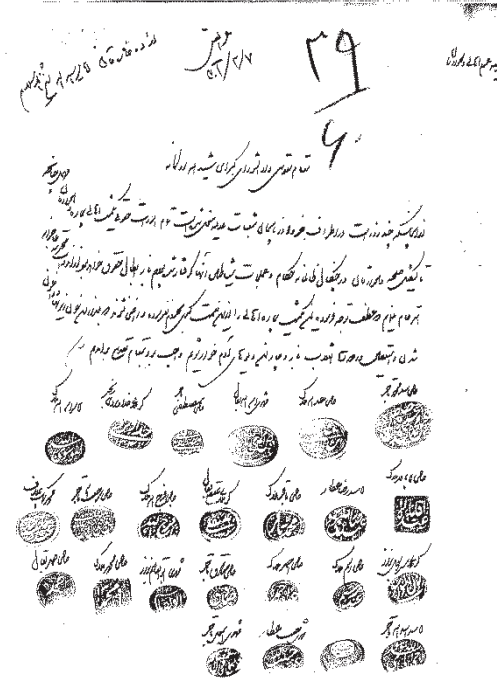
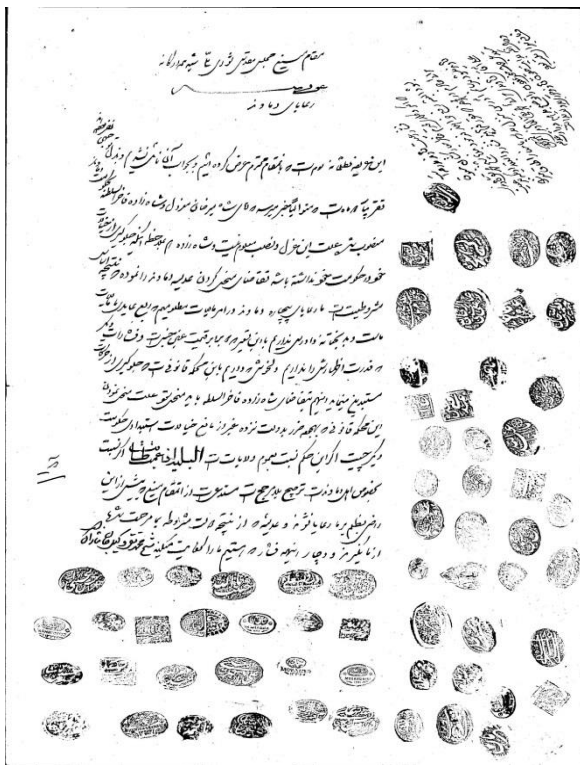
میان نویسندگان هیچ تعارضی در منافع یافت نشد.

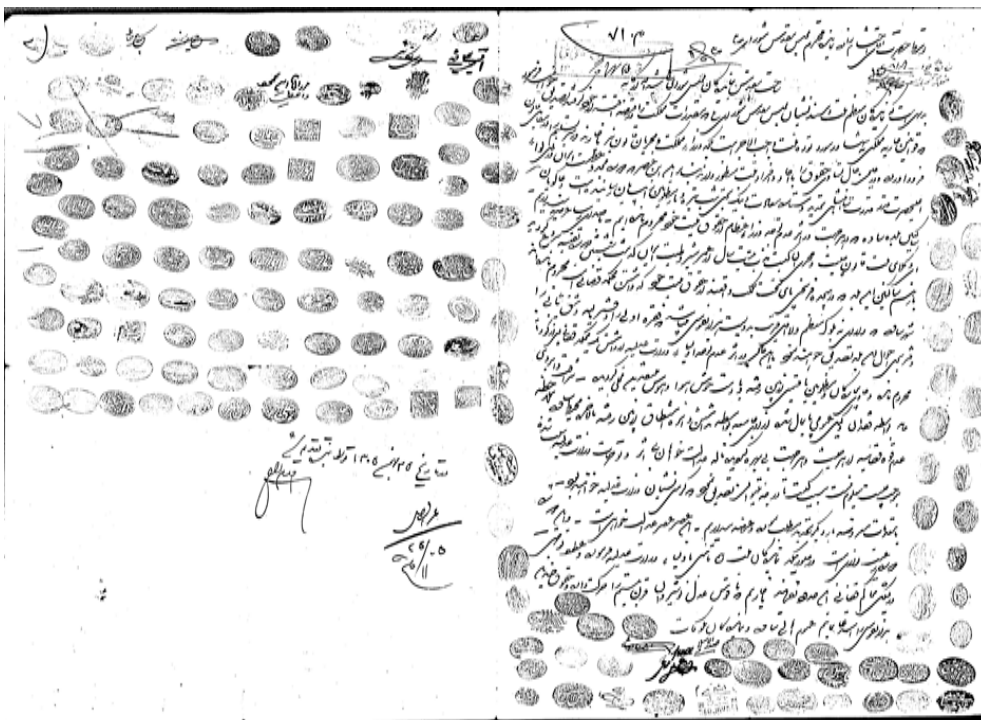
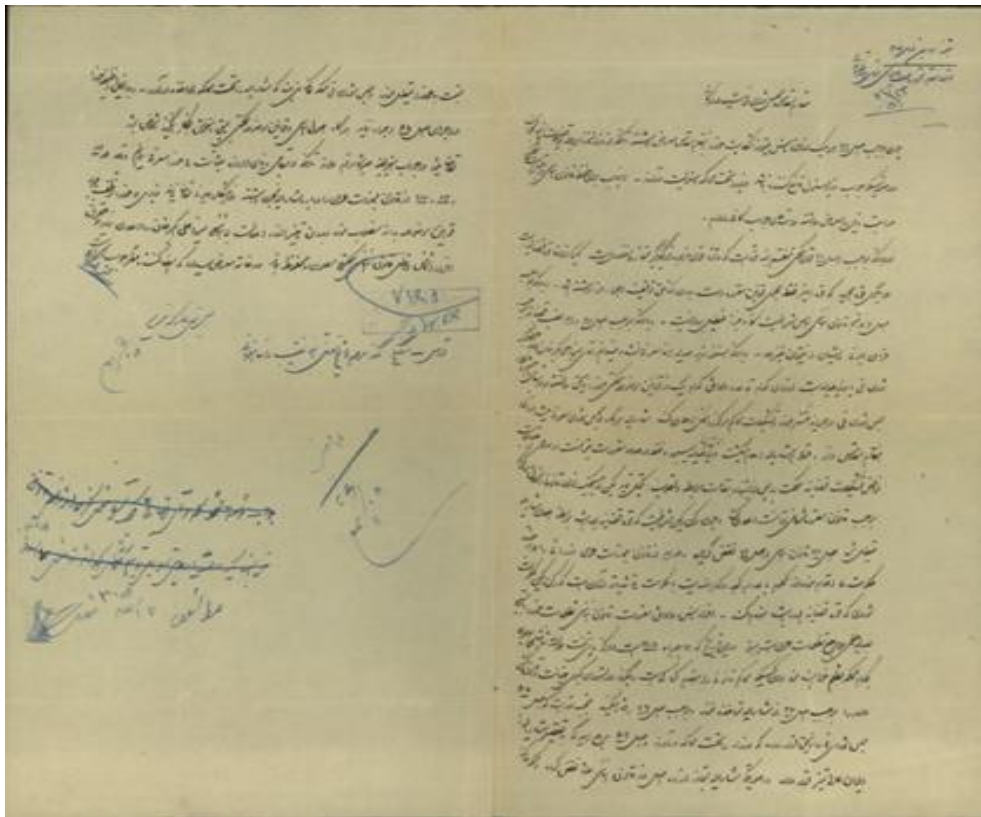
اعتراض دسته‌جمعی مردم به انحلال عدلیه نشان می‌دهد در آن دوره، گروه‌های اجتماعی مختلف به تغییرات حاکمیتی در نهادهای دولتی حساس بوده و چون تا حدودی فضای نقد و شکایت فراهم بوده است، از سراسر ایران اعتراض خود را به مرکزیت سیاسی کشور ارسال می‌کرده‌اند؛ شرایطی که در دوره رضاشاهی به دلیل فضای اختناقی که وجود داشت، تغییر کرد و مسئولیت اصلی نقد و اعتراض بر عهده نخبگان سیاسی و وکلای آنان در مجلس شورای ملی قرار گرفت. انحلال عدلیه در مرحله سوم، گرچه با هماهنگی و موافقت کلی مجلس شورای ملی همراه بود، از جانب برخی نمایندگان برجسته مورد اعتراض قرار گرفت. سه تن از این چهار نماینده شناخته‌شده مجلس، از علما بودند و مخالفت آنان بیشتر جنبه دفاع از نظام شرعی در مقابل عرفی‌سازی نظام قضایی کشور داشت. این مسئله نشان‌دهنده تلاش روحانیت برای حفظ جایگاه خود در دستگاه قضایی و نهاد دادستانی است. آنان در این مرحله روحیه مذهبی عموم مردم را نمایندگی می‌کردند و به‌نوعی وابستگی مردم به ارکان شریعت در عملکرد آنان نمود می‌یافت؛ درحالی‌که تلاش‌ها و مخالفت‌های مصدق، بیشتر نمود قانونی داشت و دیدگاه‌های انتقادی او برای ایرادهای حقوقی بر تحولات نظام قضایی و به هدف پاسداشت کیان مشروطیت بود. با وجود واکنش‌ها و تلاش‌های نمایندگان برجسته مجلس شورای ملی، به دلیل حمایت بیشتر وکلای مردم از تغییر ساختاری نظام قضایی، عدلیه منحل و دادگستری نوین پایه‌گذاری شد. با این حال، تنها نخبگان سیاسی نبودند که به نوسازی در نظام قضایی معترض بودند. در آن دوره، با وجود اختناق رضاشاهی، شاهد اعتراض‌هایی از جانب توده مردم و اقلیت‌های مذهبی نیز هستیم. اعتراض اهالی شیراز به دخالت حاکم شهر در رفع خصومت‌ها پس از انحلال عدلیه، نشان می‌دهد آنان نه تنها از انحلال عدلیه ناراضی بودند، بلکه به عوامل حاکمیتی بدون صلاحیت معترض بودند و شکایت خود را نیز بیان می‌کردند. این شکل اعتراض اهالی شیراز در کنار تهدید اقلیت کلیمیان گلپایگان، نشان‌دهنده حساسیت گروه‌های مختلف اجتماعی و

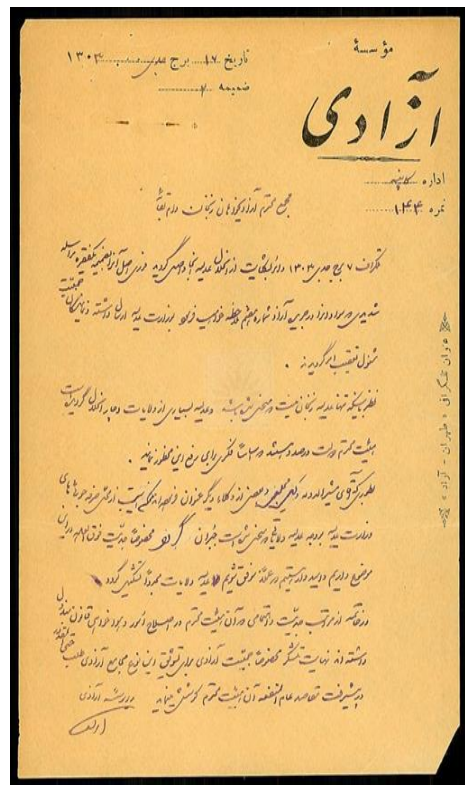
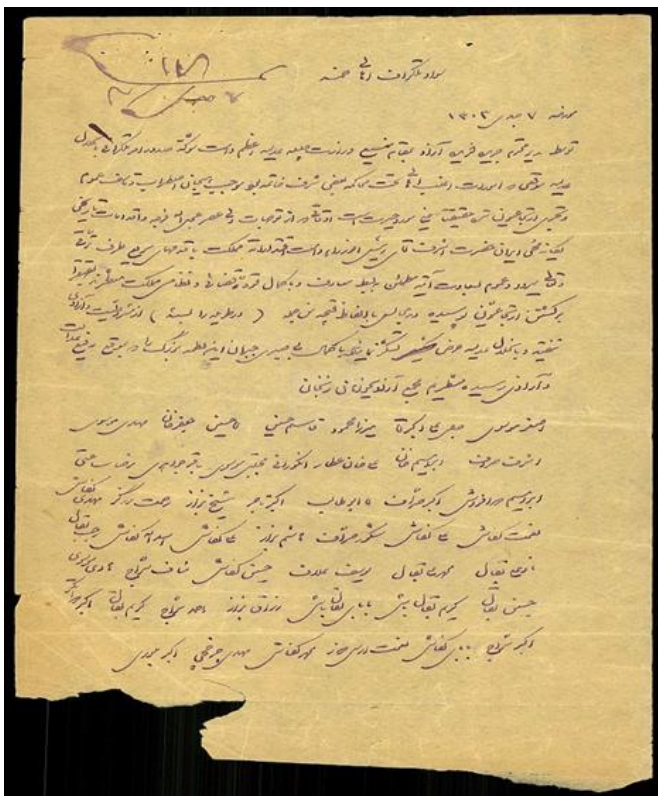
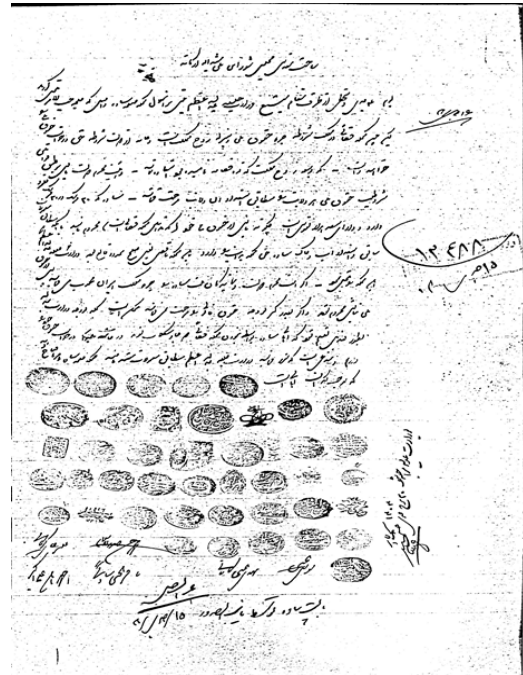
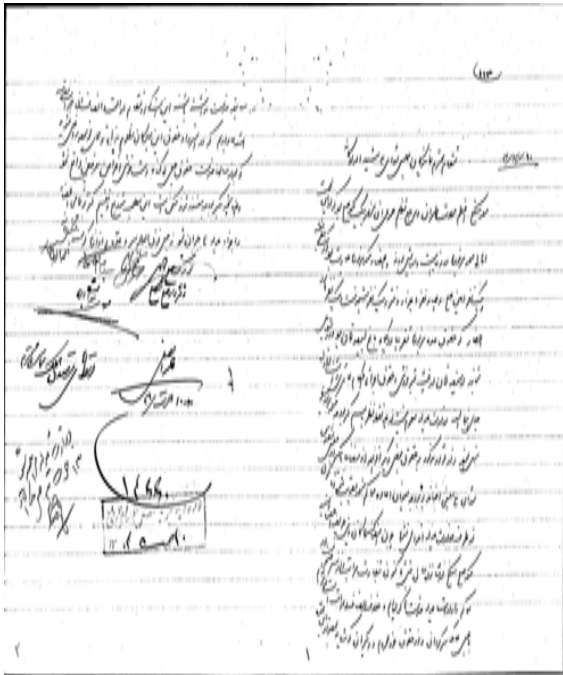
منابع

- آل داود، سیدعلی (۱۳۹۰). اسنادی درباره تغییر تشکیلات دادگستری داور. *پیام بهارستان، ویژه‌نامه قانون و حقوق*، ۲، ۱-۳.
- امین، حسن (۱۳۸۲). *تاریخ حقوق ایران*. تهران: دایره‌المعارف ایران‌شناسی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۶۳). *تاریخ مختصر احزاب سیاسی*. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- روزنامه ایران، شماره ۲۳۷۳، سال ۱۱، ص ۱.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۴۷، ۱۹ بهمن ۱۳۰۵.
- روزنامه اطلاعات، *اعلام انحلال عدلیه*، شماره ۱۴۸، ۲۰ بهمن ۱۳۰۵.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۴، ۲۷ بهمن ۱۳۰۵.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۲۱، ۱ خرداد ۱۳۰۶.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۲، ۲۵ خرداد ۱۳۰۶.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۳، ۲۸ خرداد ۱۳۰۶.
- زرنگ، محمد (۱۳۸۱). *تحول نظام قضایی ایران*. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زندیه، حسن (۱۳۹۲). *تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عاقلی، باقر (۱۳۶۹). *داور و عدلیه*. تهران: علمی.
- مذاکرات مجلس شورای ملی دوره ششم تقنینیه (۱۳۰۵). تهران: روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). *شرح زندگانی من*. تهران: انتشارات زوار.
- مکی، حسین (۱۳۶۳). *تاریخ بیست‌ساله ایران*. ج ۱. تهران: ناشر.
- هدایت، مهدی‌قلی (۱۳۷۵). *خاطرات و خطرات*. تهران: زوار.
- مجموعه سندهای کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- سند شماره ۵/۱/۳۶/۶/۳.
- سند شماره ۴/۳۳/۱۷/۲/۸۳.
- سند شماره ۴/۶۸/۳۶/۱/۲۱.
- سند شماره ۴/۷۴/۳۹/۲/۶۰.
- سند شماره ۴/۴۷/۲۳/۲/۴۸.
- سند شماره ۴/۶۱/۳۰/۱/۲۹.
- سند شماره ۴/۳۳/۱۷/۲/۱۲۹.
- سند شماره ۴/۴۲/۲۱/۱/۳۰.
- سند شماره ۵/۱۴۷/۳۶/۴۹.
- سند شماره ۵/۱۰۵/۱۵/۱/۶۵.
- ۲ برگ سند - شماره سند ۶/۳۱/۱۷/۲/۱۰۹ ج.
- ۲ برگ سند، شماره سند ۶/۷۲/۳۷/۱/۱۰۹ ج.
- ۴ برگ سند، شماره سند ۶/۱۷/۱۴/۱/۸.
- سازمان اسناد ملی ایران:
- سند شماره ۹۹۹/۳۱۷۰۱.

پیوست: تصویر اسناد به ترتیب







میرزای گلپایگانی، حسین (۱۳۷۸). *تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران (۱۰۵۰ قمری تا ۱۳۲۰ شمسی)*. تهران: نشر گلشن

نوبین فرح بخش، فریدون (۱۳۹۲). *راهنمای تمبرهای ایران، قاجار-پهلوی - جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر فرح بخش.

ولایتی، علی اکبر (۱۳۷۵). *تاریخ روابط خارجی ایران دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه*. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- (۱۳۹۷ ب). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه، از جمادی الاول ۱۳۱۲ تا ذیقعد ۱۳۱۳ ق*. تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار.

عدل، شهریار (۱۳۷۹). *آشنایی با سینما و نخستین گام‌ها در فیلمبرداری و فیلم‌سازی در ایران ۱۲۷۷ تا حدود ۱۸۹۹/۱۲۸۵ م*. فصلنامه هنری *طاووس*، ۶(۵) پاییز و زمستان.

References

Scheiwiller S.G. (2018). "Relocating Sevruguin: Contextualizing the Political Climate of the Iranian Photographer Antoin Sevruguin (C.1851-1933)" in *the indigenous lens? Early photography in the near and middle east*. Edited by: Markus Ritter and Staci G. Scheiwiller, De Gruyter, 145-169.

Vuurman – Achour, C.J.M. (2007). Dimitri Iwanowitsch Ermakov: Photography Across the Persian Border. In LA Ferydoun Bargesteh Van Waal Wijk Van Doorn et al, *Journal of the International Qajar Association*, Rotterdam, Santa Barbara, Tehran: IQSA:92-107.

De Herder H. (2007), "Ermakov Dimitry" in *Encyclopedia of Nineteenth-century Photography*, edited by: John Hannavy, CRC Press.

Ermakov Dimitry Дм. Ермакова (1896). *Каталог фотографических видов и типов*. [in Russian]

Ermakov Dimitry Дм. Ермакова (1901). *Каталог фотографических видов и типов*. [in Russian]

Halle a. S., Verlag von Wilhelm Knapp (1908). *Encyklopädie der Photographie*. Leipzig: Oktav, Lwd.

Perez Gonzalez Carmen (2012). *Local Portraiture, Through the Lens of the 19th – Century Iranian Photographers*. Amsterdam: Amsterdam University Press.